

قدم‌ها بی‌گام‌ها

شهریور ۱۴۰۴

| ویژه‌نامه هفته دولت

روایت یک سال تلاش

گام دوم

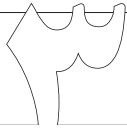
این ویژه‌نامه تلاشی است برای بازگویی گام‌هایی که دولت نخواست آنها را به تبلیغ و شعار بدل کند، اما نبودشان می‌توانست وضعیت را سخت‌تر کند. اگر انضباط بودجه‌ای نبود، تورم می‌توانست از مرزهای بالاتری بگذرد. اگر دوراندیشی برای تأمین کالاهای اساسی نبود، فشار بر سفره مردم به مراتب سنگین‌تر می‌شد.



این ویژه‌نامه تلاشی است برای بازگویی همین قدم‌های بی‌صدا؛ گام‌هایی که زیر سایه بلند مشکلات پنهان ماندند. گام‌هایی که دولت نخواست آنها را به تبلیغ و شعار بدل کند، اما نبودشان می‌توانست وضعیت را سخت‌تر کند. اگر اضطباط بودجه‌ای نبود، تورم می‌توانست از مرزهای بالاتری بگذرد. اگر دوراندیشی برای تأمین کالاهای اساسی نبود، فشار بر سفره مردم به مراتب سنگین‌تر می‌شد.

این‌ها همه به معنای پاپان مشکلات نیست؛ مردم همچنان در تنگنا هستند و سایه ابرچالش‌های دیرینه بر زندگی روزمرشان سنگینی می‌کند. اما معنای این ویژه‌نامه آن است که گفته شود حتی در همین شرایط دشوار، تلاش‌هایی برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن اوضاع صورت گرفته است.

قدم‌های بی‌صدا شاید در هیاهوی سیاست شنیده نشوند، اما نبودشان را همه احساس خواهند کرد. امید آنکه این گام‌های آرام، در ادامه مسیر به راهی هموار بدل شوند و زمینه را برای برداشتن گام‌های بلندتر فراهم کنند.



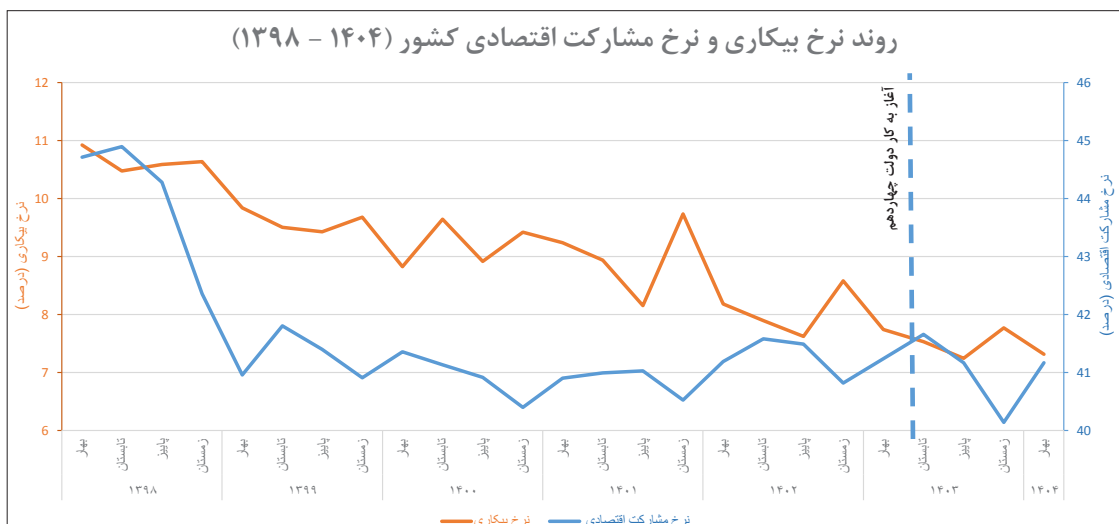
نرخ بیکاری در کف؛ ایجاد روزانه بیش از هزار شغل در دولت چهاردهم

کاهش نرخ بیکاری

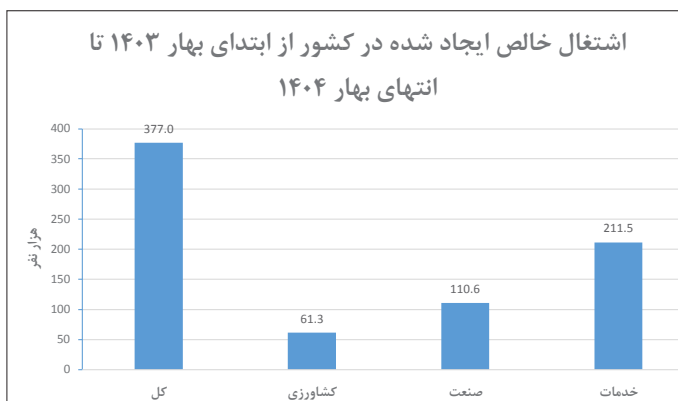
شد. در نتیجه همراه با کاهش نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری نیز کاهش خواهد یافت. در این وضعیت کاهش نرخ بیکاری خبر خوبی نیست. اما بررسی ها نشان می دهد در یکسال گذشته که نرخ بیکاری کاهش یافته، نرخ مشارکت اقتصادی ثابت بوده و تغییر نکرده است. بنابراین کاهش نرخ بیکاری در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته به علت کاهش تعداد بیکاران بوده نه کاهش مشارکت.

جمعیت شاغل کشور در بهار امسال از ۲۵ میلیون نفر گذشته است، این رقم بالاترین رقم تعداد شاغلین در تاریخ اقتصاد ایران است. بررسی ها نشان می دهد امسال نسبت به بهار سال گذشته حدود ۳۸۰ هزار نفر به تعداد شاغلین ایران افزوده شده است. به عبارت دیگر در یکسالی که دولت چهاردهم بر سر کار بوده به طور متوسط روزانه بیش از هزار شغل در کشور ایجاد شده است.

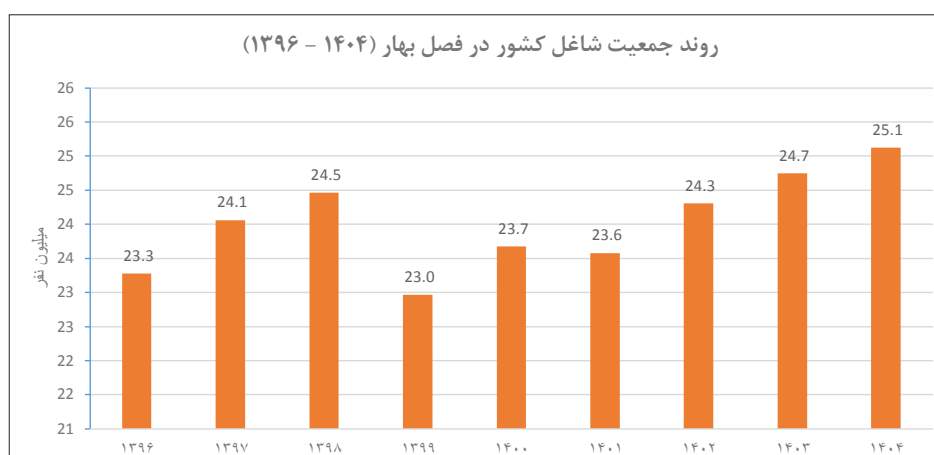
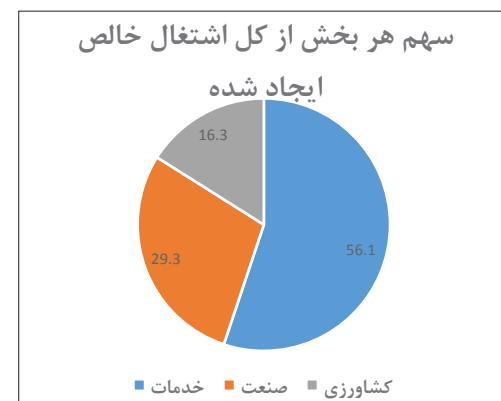
نرخ بیکاری یکی از مهم ترین شاخص های اقتصاد کلان است که همواره مورد توجه اقتصاددانان و پژوهشگران بوده است. اهمیت وضعیت بیکاری تنها به اقتصاد خلاصه نمی شود بلکه این شاخص یکی از مهم ترین پارامترهای اجتماعی نیز هست. بررسی ها نشان می دهد نرخ بیکاری از ۷.۷ درصد در بهار سال ۱۴۰۳ به حدود ۷.۳ درصد در بهار سال جاری رسیده است. به عبارت دیگر در یکسال اخیر که دولت چهاردهم بر سر کار آمده، نرخ بیکاری روندی نزولی داشته است. از منظر اقتصاد کلان بررسی نرخ بیکاری به تنهایی می تواند اطلاعات غلطی را از بازار کار به ما ارائه دهد، از همین رو لازم است این نرخ در کنار نرخ مشارکت اقتصادی بررسی و تحلیل شود. چراکه برای مثال ممکن است کاهش نرخ بیکاری به دلیل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و ناامیدی افراد از پیدا کردن شغل باشد. در این وضعیت افراد بیکاری که در پی یافتن شغل هستند از جست و جوی کار دست کشیده و از بازار کار خارج خواهند



نرخ بیکاری کشور در بهار ۱۴۰۴ به ۷.۳ درصد رسیده است که کمترین سطح در سال های اخیر بوده است. این در حالی است که نرخ مشارکت اقتصادی نیز روندی نسبتاً پائین داشته است.



در سال گذشته خالص اشتغال ایجاد شده در کشور برابر با ۳۷۷ هزار نفر بوده است. به عبارت دیگر در دولت چهاردهم به طور متوسط روزانه بیش از هزار شغل ایجاد شده است.



جمعیت شاغل کشور در بهار ۱۴۰۴ به بیش از ۲۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته است.



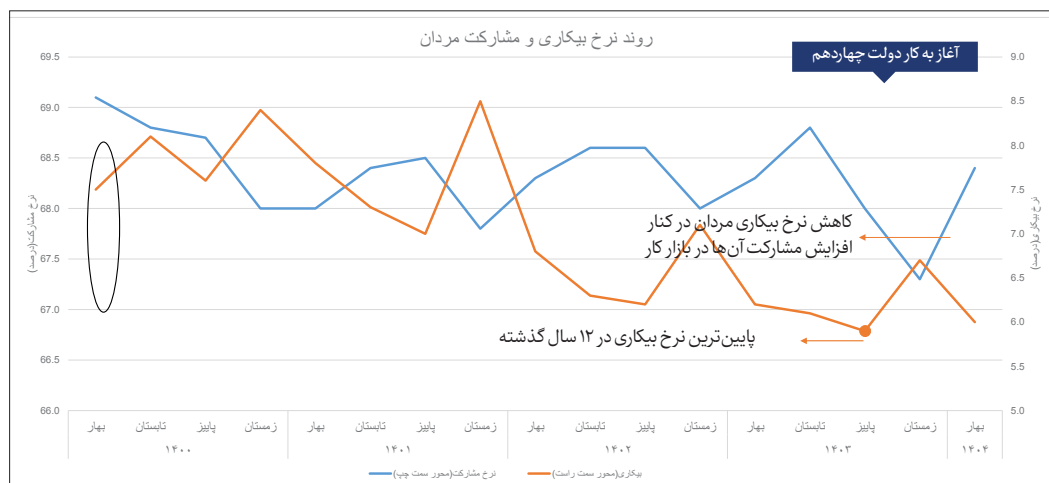
کاهش بیکاری مردان با وجود افزایش مشارکت

روند مشارکت اقتصادی مردان و کاهش نرخ بیکاری

توانسته اند نیازهای بیشتری را پاسخ دهند. کاهش نرخ بیکاری در کنار ثبات نرخ مشارکت به معنای ایجاد مشاغل پایدار و باکیفیت است؛ دستاوردی که در تقویت معیشت خانوارها نقش مستقیم دارد. ایجاد فرصت های شغلی جدید یکی از مأموریت های اصلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. تعهد این وزارتخانه برای سال جاری ایجاد ۶۰ هزار شغل بوده است. اما عملکرد واقعی از این تعهد فراتر رفته و تا کنون بیش از ۷۰ هزار و ۵۰۰ شغل جدید ایجاد شده است. عبور از سطح تعهد شده بیانگر آن است که برنامه های اشتغال زایی دولت نه تنها روی کاغذ باقی نمانده، بلکه در عمل توانسته اند نتایج ملموسی برای جوانان و جویندگان کار داشته باشند. این دستاورد نشان می دهد که سیاست های حمایتی در حوزه تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط، طرح های اشتغال روستایی و همچنین برنامه های توسعه صنایع، اثر مثبت بر بازار کار گذاشته است. ایجاد شغل جدید علاوه بر کاهش نرخ بیکاری، اثرات گسترده تری نیز دارد. افزایش اشتغال به معنای افزایش درآمد خانوارها، کاهش آسیب های اجتماعی، تقویت امنیت روانی جامعه و در نهایت افزایش سطح رفاه عمومی است.

نرخ مشارکت اقتصادی مردان نشان می دهد چه نسبتی از جمعیت در سن کار وارد بازار کار شده اند؛ یعنی یا شاغل اند یا در جست و جوی شغل هستند. این شاخص یکی از مهم ترین معیارها برای سنجش پویایی بازار کار به شمار می رود.

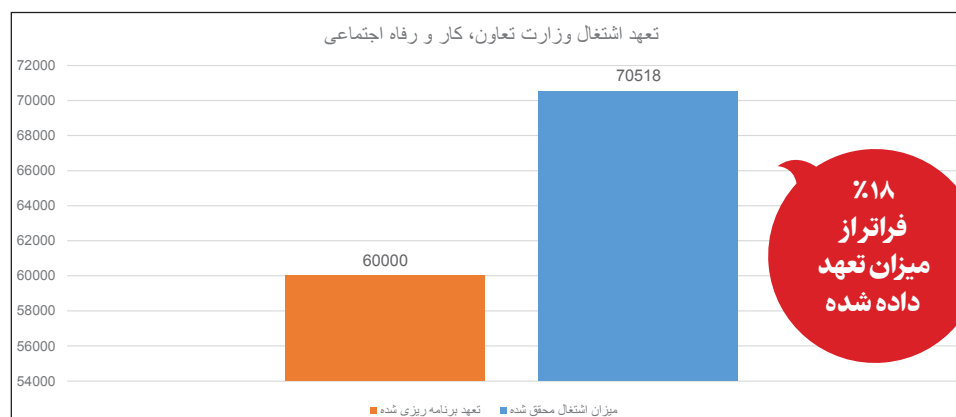
بررسی داده های بیش از یک دهه اخیر نشان می دهد نرخ مشارکت اقتصادی مردان با وجود نوسانات، در سطح نسبتاً بالای ۶۸ درصد تثبیت شده است. این موضوع حاکی از آن است که بخش عمده مردان در سن کار فعالانه در بازار حضور دارند و ظرفیت انسانی اقتصاد ایران همچنان پر قدرت است. در کنار این شاخص، نرخ بیکاری مردان نیز روندی کاهشی داشته است. در سال ۱۳۹۲ نرخ بیکاری حدود ۸.۸ درصد بود و در سال های بعد به سطح بالاتر از ۱۰ درصد هم رسید. اما طی سال های اخیر، مسیر بازار کار تغییر کرده و نرخ بیکاری با روندی پایدار کاهش یافته است؛ به گونه ای که در بهار ۱۴۰۴ به ۶ درصد رسیده است. این روند دو پیام روشن دارد: اول اینکه سیاست های دولت برای حمایت از تولید و اشتغال زایی مؤثر بوده است و دوم اینکه با وجود افزایش جمعیت فعال در بازار کار، فرصت های شغلی جدید



پیامدهای مثبت بر اقتصاد کشور

دشواری را پشت سر گذاشته است. با این حال، آمارهای جدید نشان می دهد نرخ مشارکت مردان در سطح بالا باقی مانده و نرخ بیکاری به کمترین سطح یک دهه اخیر یعنی ۶ درصد رسیده است. در کنار این دستاورد، عملکرد وزارت کار در ایجاد بیش از ۷۰ هزار شغل جدید، فراتر از تعهد اعلام شده، نویدبخش ادامه روند مثبت در بازار کار است. این نتایج بیانگر آن است که سیاست های دولت در حمایت از اشتغال و تولید توانسته اند به طور ملموس اثرگذار باشند و آینده بازار کار کشور را امیدوارکننده تر سازند.

با کاهش بیکاری، اقتصاد از فشارهای ناشی از بیکاری گسترده رها می شود و شرایط برای رشد پایدار فراهم می شود. وقتی وعده های دولت در زمینه ایجاد شغل عملی می شود، اعتماد مردم به سیاست های اقتصادی تقویت می شود. اشتغال پایدار به معنای فعال شدن ظرفیت های تولیدی کشور است که نتیجه آن افزایش تولید ملی خواهد بود. ورود بیشتر افراد به بازار کار همراه با آموزش و تجربه، سطح مهارت ها و بهره وری را در اقتصاد ارتقا می دهد. بازار کار ایران طی یک دهه اخیر مسیر

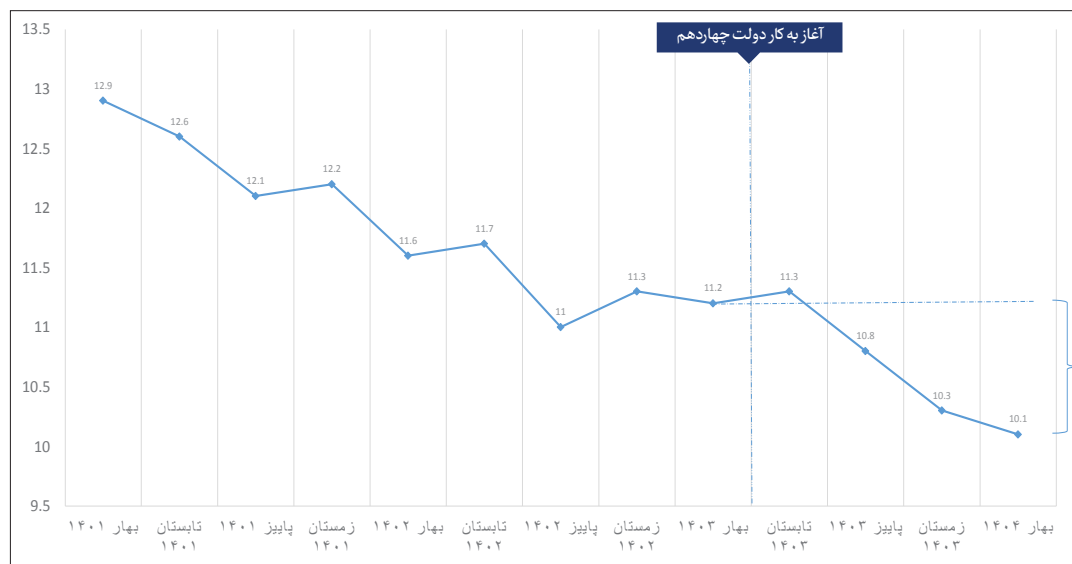


باز شدن درهای بازارکار به روی دانشجویان

نرخ بیکاری فارغ التحصیلان مناطق شهری

عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر فارغ التحصیل آموزش عالی مناطق شهری کشور جویای کار حدوداً یک نفر بیشتر نسبت به مدت مشابه پارسال موفق به پیدا کردن شغل برای خود شده است. اقدامات دولت در جذب نخبگان در دستگاه اجرایی و همچنین دانش محور شدن ماهیت مشاغل مدرن و برخی دیگر، از دلایل این کاهش است. این کاهش در نرخ بیکاری فارغ التحصیلان شهری باعث توسعه اجتماعی و علمی شهرها و همچنین جلوگیری از فرار مغزها می شود.

کاهش نرخ بیکاری فارغ التحصیلان شهری اهمیت بسیاری برای تقویت نوآوری و رشد اقتصادی و همچنین جلوگیری از آسیب های اجتماعی دارد. بررسی ها نشان می دهد نرخ بیکاری فارغ التحصیلان مناطق شهری از بهار سال گذشته تا بهار سال جاری کاهش داشته است. نرخ بیکاری فارغ التحصیلان شهری، با توجه به فصلی بودن داده بازار کار، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از حدود ۱۱.۲ درصد به ۱۰.۱ درصد تقلیل یافته است. به



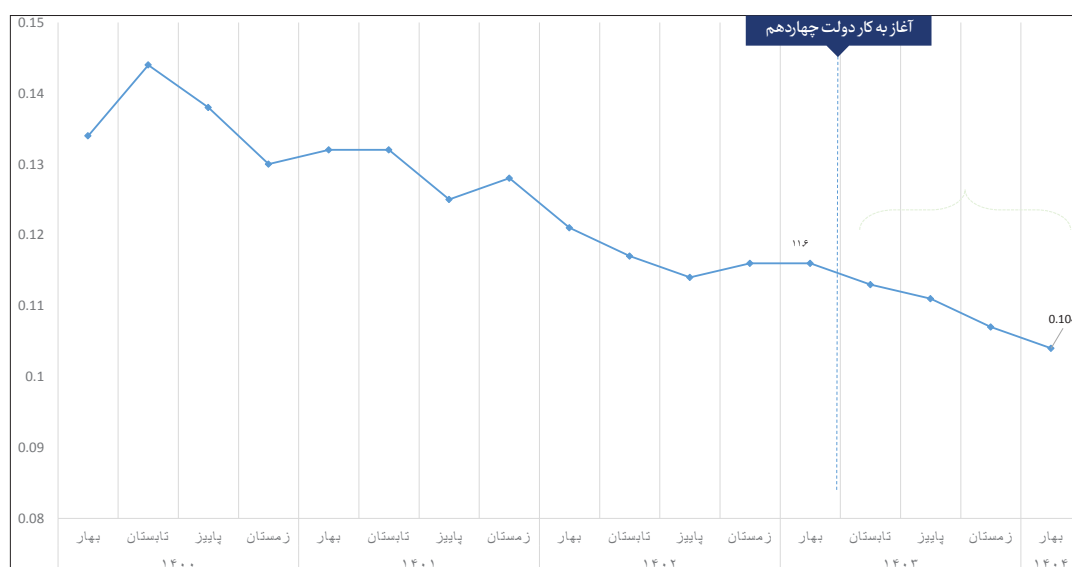
مشاهدات حاکی از کاهش نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی شهرها است

کاهش ۱٫۱ درصدی

نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی

از بزرگ ترین مشکلات بازارکار ایران بالا بودن نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی است. در بهار سال ۱۴۰۳ نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی نزدیک به ۱۲ درصد بوده است، به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر دانشگاه رفته ای که در جست و جوی کار هستند، حدوداً ۱۲ نفرشان بیکار مانده و در یافتن شغل ناکام بودند. بررسی ها نشان می دهد طی یکسال اخیر این نرخ کاهش یافته و در بهار سال جاری به کانال ۱۰ درصد رسیده است. این امر نشان از بهبود نسبی وضعیت دانشگاه رفته ها در بازارکار ایران دارد.

نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی یکی از مهم ترین شاخص های بازار کار در هر کشور و اقتصادی است. این شاخص مورد توجه بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران حوزه های اجتماعی و اقتصادی است. از همین رو نرخ بیکاری دانشگاه رفته ها برای سیاستگذار نیز بسیار حائز اهمیت است. این شاخص نشان می دهد که تا چه اندازه آغوش بازار کار برای متخصصان دانشگاه رفته باز است، بالطبع هرچه فارغ التحصیلان آموزش عالی در بازارکار نقش پر رنگ تری داشته باشند، نشان از بهره وری و پویایی بالای آن اقتصاد است. یکی

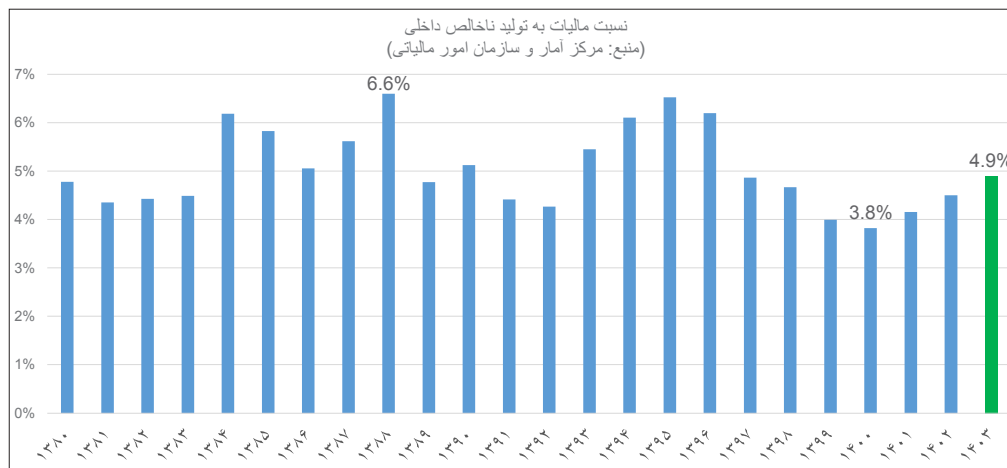


نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی؛ شاخصی از توان مالی دولت

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی

و بعضاً پریسک بوده است. در سال ۱۴۰۱ نیز اگرچه اندکی بهبود حاصل شد و نسبت به ۴.۲ درصد رسید، اما همچنان فاصله زیادی با استانداردهای مطلوب جهانی داشت. چنین ارقامی نشان دهنده آن است که طی این سال ها، نظام مالیاتی کشور در وصول درآمدها با چالش هایی چون فرار مالیاتی، ضعف در شناسایی پایه های جدید و محدودیت در پوشش دهی مواجه بوده است. در سال ۱۴۰۳ نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی با رشد قابل توجه به ۴.۹ درصد افزایش یافت و رکورد چهار سال گذشته را شکست. این بهبود نشان می دهد که دولت توانسته با اجرای سیاست های نوین مالیاتی، افزایش شفافیت اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی، درآمدهای پایدار بیشتری کسب کند. افزایش سهم مالیات از GDP در عمل به معنای مدیریت بهتر منابع مالی کشور و کاهش نیاز به استقراض یا درآمدهای ناپایدار است.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم ترین شاخص های اقتصادی برای سنجش توان درآمدی دولت و میزان اتکای کشور به درآمدهای پایدار است. هرچه این نسبت بالاتر باشد، نشان می دهد بخش بیشتری از هزینه های دولت از مسیر شفاف و قابل اتکا یعنی مالیات تأمین می شود و وابستگی به درآمدهای ناپایدار مانند نفت کاهش می یابد. بررسی روند این شاخص نشان می دهد که در سه سال منتهی به ۱۴۰۲، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در پایین ترین سطح دوده اخیر قرار داشته است. در سال ۱۳۹۹ این نسبت تنها ۴ درصد بود. کاهش بیشتر در سال ۱۴۰۰ رخ داد و شاخص به ۳.۸ درصد رسید که پایین ترین رکورد ثبت شده در ۲۳ سال اخیر محسوب می شود. این وضعیت به معنای آن بود که دولت بخش زیادی از ظرفیت بالقوه درآمدی خود را از دست داده و به جای اتکا بر درآمدهای پایدار مالیاتی، ناچار به استفاده از منابع جایگزین

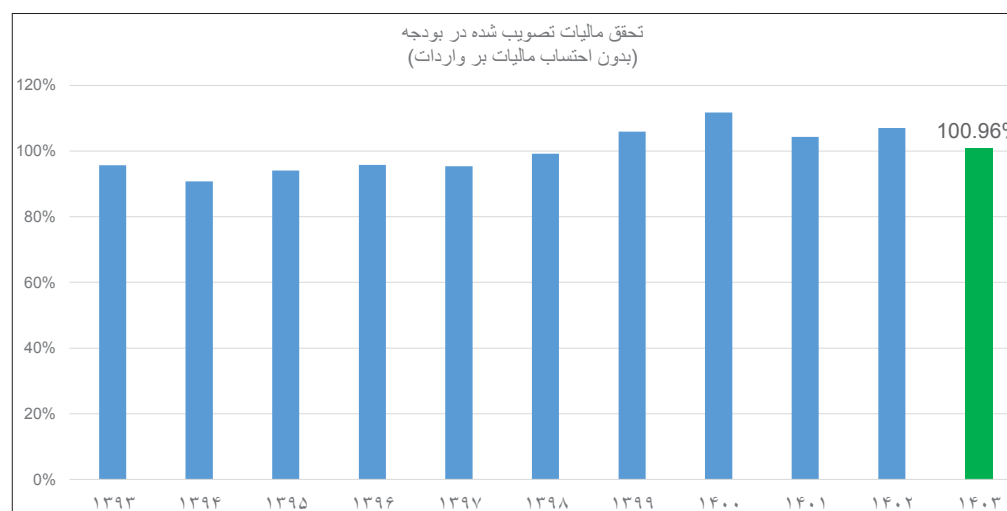


بالاترین نسبت
درآمدهای
مالیاتی به
تولید ناخالص
داخلی در شش
سال گذشته
(از زمان خروج
آمریکا از برجام)

اهمیت این دستاورد برای اقتصاد کشور

۴. **افزایش اعتماد عمومی:** وقتی مردم و فعالان اقتصادی ببینند که دولت بخش بیشتری از هزینه ها را از طریق مالیات تأمین می کند، شفافیت و اعتماد به سیاست های مالی نیز تقویت می شود. روند نزولی سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ که با پایین ترین رکورد نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی همراه بود، امروز جای خود را به بهبود محسوس داده است. رشد این شاخص در سال ۱۴۰۲ و دستیابی به رکورد ۴.۹ درصدی در سال ۱۴۰۳، نشان دهنده حرکت نظام مالی کشور به سمت پایداری و شفافیت بیشتر است. این دستاورد، گامی مهم در جهت کاهش اتکای بودجه به نفت و تقویت پایه های توسعه پایدار اقتصادی ایران محسوب می شود.

۱. **کاهش وابستگی به نفت:** هرچه سهم مالیات از GDP بیشتر شود، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاهش می یابد و بودجه کشور در برابر نوسانات جهانی مقاوم تر می شود.
۲. **تقویت عدالت اقتصادی:** بهبود نظام مالیاتی به معنای شناسایی و وصول درآمد از بخش هایی است که پیش تر از پرداخت مالیات فرار می کردند. این امر عدالت مالیاتی را تقویت می کند.
۳. **پایداری بودجه دولت:** مالیات منبعی پایدار و قابل برنامه ریزی است. افزایش این نسبت باعث می شود دولت بتواند برنامه های توسعه ای و رفاهی خود را با اطمینان بیشتری اجرا کند.



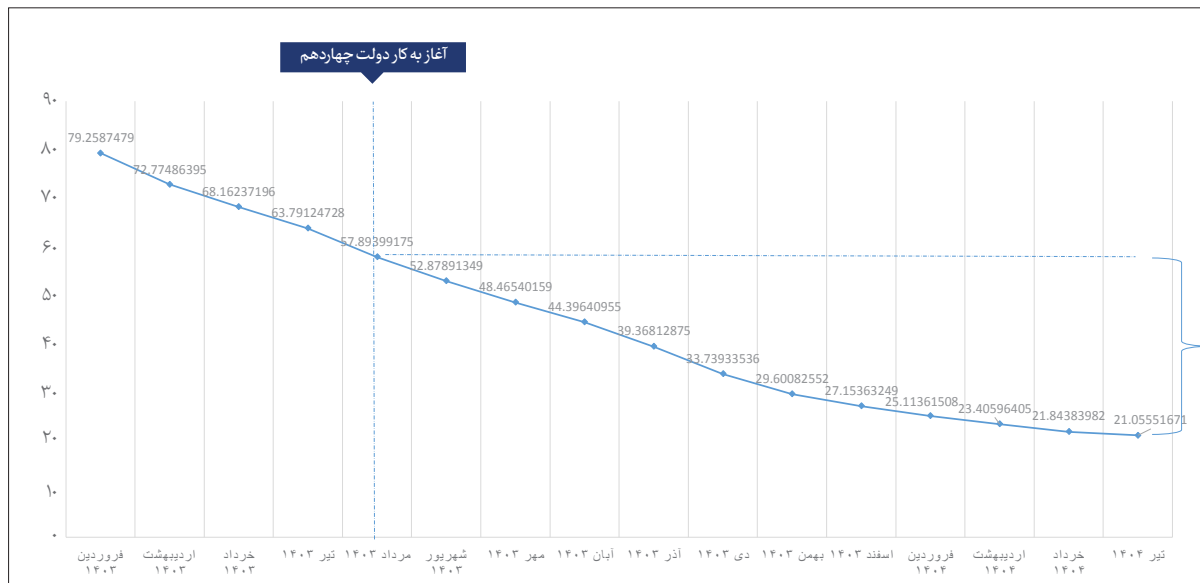
تحقق
۱۰۰ درصدی
مالیات مصوب

تورم مسکن و گوشت آرام گرفت

تورم گوشت و فرآورده های آن

بر سر کار آمد حدود ۵۸ درصد بوده است. آمارهای رسمی نشان می دهد که تورم این گروه در تیرماه امسال به نزدیکی ۲۰ درصد رسیده است. به عبارت دیگر سرعت رشد قیمت گوشت در کشور بشدت کاهش پیدا کرده است. افزایش عرضه داخلی یا افزایش واردات بیشتر که دولت صورت داده، می تواند از جمله دلایل کاهش تورم گوشت قرمز و سفید باشد. کاهش سرعت تورم گوشت موجب شده تا این کالای خوراکی به طور کلی از سبد مصرف خانوار ایرانی حذف نشود و همچنان در سفره مردم جا داشته باشد.

گوشت یکی از مهم ترین اجزای سبد مصرف خانوار است، با وجود اینکه در سال های اخیر جایگاه گوشت در سفره خانوار ایرانی کم رنگ شده، اما همچنان ایرانیان توجه زیادی به تغییرات قیمت گوشت دارند و برای آنان حائز اهمیت است. بررسی ها نشان می دهد که تورم گوشت قرمز و سفید در ماه های اخیر با کاهش چشمگیر روبه رو شده است. این روند نزولی از اوایل سال ۱۴۰۳ تا تیرماه سال جاری ادامه داشته است. تورم سالانه گوشت قرمز و سفید در مرداد ماه سال گذشته که دولت چهاردهم



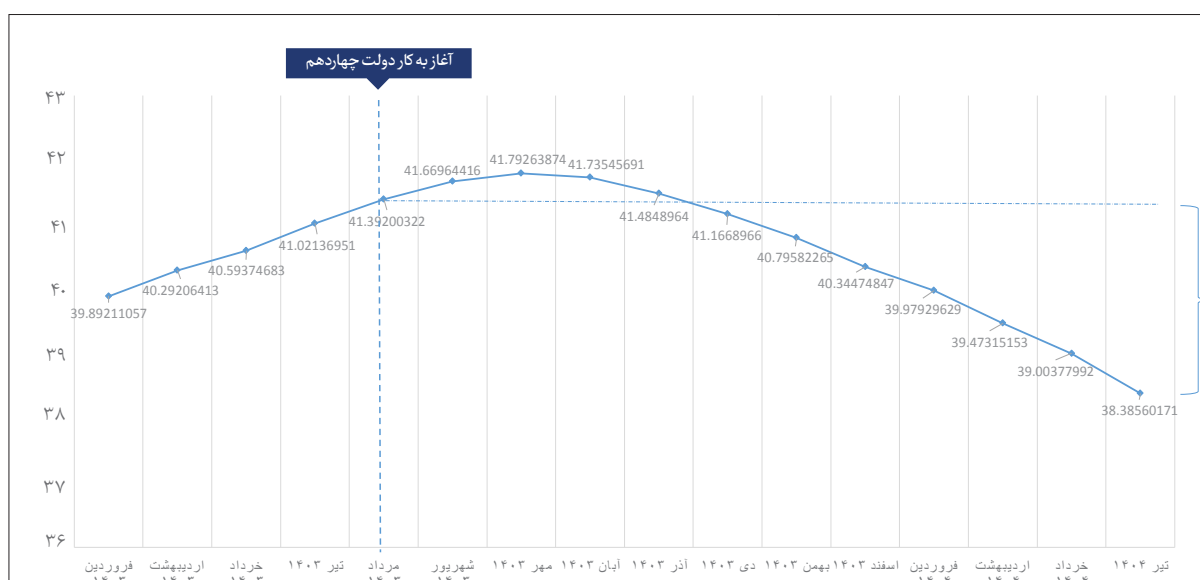
مشاهدات حاکی از کاهش رشد سرعت افزایش قیمت گروه گوشت قرمز و سفید و فرآورده های آن در دولت چهاردهم است.

کاهش ۳۶٫۸ درصد

تورم سالانه اجاره

که تورم این گروه در تیرماه سال جاری به نزدیکی ۳۸ درصد رسیده است. به عبارت دیگر سرعت رشد بهای اجاره در کشور تا حدی رو به کاهش گذاشته و این افزایش مدام قیمت در حال کاهش است. از افزایش عرضه واحدهای مسکونی که دولت طبق برنامه در حال دنبال کردن آن است، می تواند به عنوان یکی از دلایل کاهش تورم اجاره مسکن نام برد. کاهش تورم اجاره مسکن باعث شده تا خانوار ایرانی اصلی ترین بخش سبد خود را با دسترسی بهتری داشته باشد.

اجاره مسکن اصلی ترین بخش سبد خانوار است که نقش بسیار زیادی در هزینه خانوار دارد. تورم اجاره مسکن یکی از مهم ترین عوامل فشار تورمی و شرایط معیشتی خانوار است. بررسی ها نشان می دهد تورم سالانه قیمت اجاره مسکن در ماه های اخیر با کاهش چشمگیر روبه رو شده و این روند نزولی که از اوایل سال ۱۴۰۳ شروع شده تا تیرماه سال جاری ادامه داشته است. تورم سالانه اجاره در مرداد ماه سال گذشته که دولت چهاردهم بر سر کار آمد حدود ۴۱ درصد بوده است. آمارهای رسمی نشان می دهد



مشاهدات حاکی از کاهش سرعت رشد قیمت بخش اجاره در دولت چهاردهم می باشد که نشانگر آن است که روند افزایشی متوقف و سپس نزولی شده است.

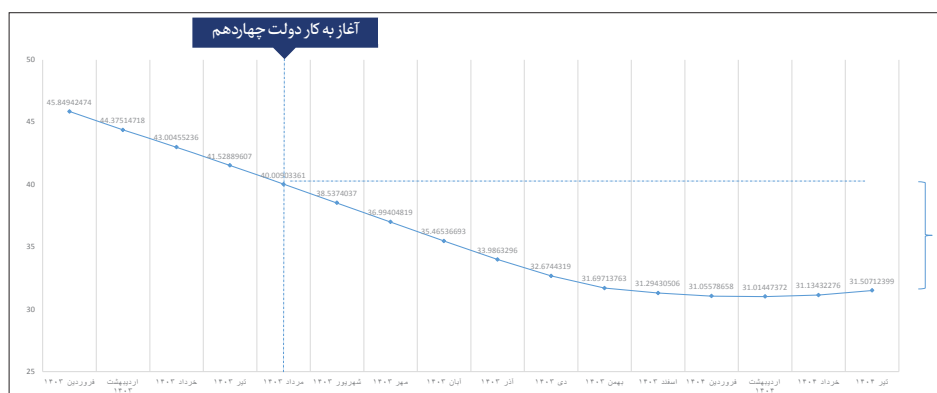
کاهش ۳ واحد درصد

کاهش سرعت رشد قیمت‌ها در ۳ گروه اصلی

تورم سالانه پوشاک و کفش

است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تورم این گروه در تیرماه سال جاری به نزدیکی ۳۱ درصد رسیده است. به عبارت دیگر سرعت رشد قیمت پوشاک و کفش در کشور تا حد مناسبی کند شده است. افزایش عرضه یا احتمالاً کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و تولید را می‌توان از جمله دلایل این کاهش تورم نام برد. این کاهش تورم مستقیماً روی سبد خانوار تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود تا خانوار ایرانی از این جزمهم سبد خود محروم نماند.

پوشاک و کفش از اجزای تأثیرگذار سبد مصرفی جاری خانوارها است که بعد از غذا و نان نقش زیادی در الگوی مصرفی خانوار به‌خصوص اقشار متوسط دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد تورم سالانه قیمت پوشاک و کفش در یک سال گذشته با کاهش ملموسی روبه‌رو شده و این کاهش از اوایل سال ۱۴۰۳ شروع شده و تا تیرماه سال جاری ادامه داشته است. تورم سالانه پوشاک و کفش در مرداد ماه سال گذشته که دولت چهاردهم بر سرکار آمد حدود ۴۰ درصد بوده



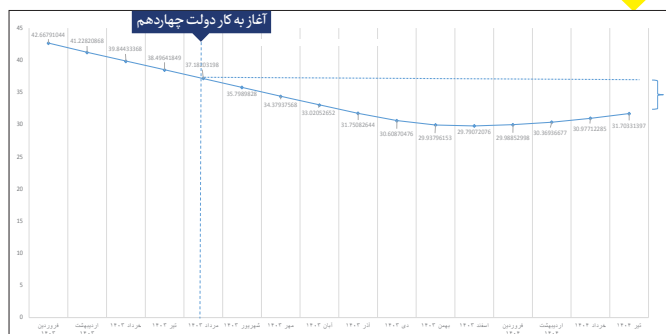
مشاهدات حاکی از کاهش رشد سرعت افزایش قیمت گروه پوشاک و کفش در دولت چهاردهم است.

کاهش ۸٫۵ درصد

تورم سالانه بخش تفریح و فرهنگ

بخش تفریح و فرهنگ تنها مربوط به سرگرمی نیست. سلامت روانی جامعه، نشاط اجتماعی، آگاهی عمومی و... تا حد زیادی وابسته به دسترسی آسان و عادلانه به خدمات فرهنگی و تفریحی است. از همین رو نیز تغییرات قیمت این بخش نقش بسزایی در دسترسی خانوار به خدمات تفریحی و فرهنگی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد تورم سالانه بخش تفریح و فرهنگ در یک سال گذشته با کاهش قابل توجهی روبه‌رو بوده و این کاهش از اوایل سال ۱۴۰۳ شروع شده و تا اوایل سال جاری ادامه داشته است. تورم سالانه بخش تفریح و فرهنگ در مرداد ماه سال گذشته که دولت چهاردهم بر سرکار آمد حدود ۳۷ درصد بوده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تورم این بخش در تیرماه سال جاری به نزدیکی ۳۱ درصد رسیده است. به عبارت دیگر سرعت رشد قیمت بخش تفریح و فرهنگ تا حد خوبی کم شده است. ثبات نسبی نرخ ارز و سیاست‌های انقباضی پولی بانک مرکزی را می‌توان از دلایل احتمالی این کاهش تورم نام برد که این امر می‌تواند به کاهش شکاف طبقاتی و افزایش کیفیت زندگی منجر شود و اولین جامعه هدف آن اقشار کم درآمد و متوسط جامعه هستند.

مشاهدات حاکی از کاهش سرعت رشد قیمت بخش تفریح و فرهنگ در دولت چهاردهم است.

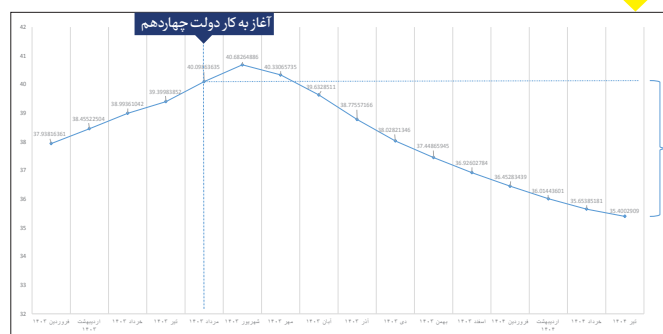


کاهش ۵٫۵ درصدی

تورم سالانه آموزش

تورم در بخش آموزش فقط گران شدن شهریه و بهای آموزش نیست بلکه تهدیدی بزرگ برای رشد سرمایه انسانی کشور است. یقیناً چنانچه این بخش دچار تورم بالایی شود دسترسی اقشار متوسط و به‌خصوص قشر فرودست جامعه به خدمات آموزشی کاهش خواهد یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد تورم سالانه بخش آموزش در یک سال گذشته با کاهش تدریجی و همچنین پیوسته همراه بوده و این کاهش از اواخر تابستان ۱۴۰۳ شروع شده و تا تیرماه سال جاری ادامه داشته است. تورم سالانه بخش آموزش در مرداد ماه سال گذشته که دولت چهاردهم بر سرکار آمد حدود ۴۰ درصد بوده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تورم این بخش در تیرماه سال جاری به نزدیکی ۳۵ درصد رسیده است. به عبارت دیگر سرعت رشد قیمت در بخش آموزش روندی آرام و پیوسته رو به کند شدن گرفته است. نظارت بیشتر دولت بر مؤسسات آموزشی و ثبات نسبی در برخی هزینه‌ها (به دلیل داخلی بودن جنس هزینه‌ها) را از جمله دلایل احتمالی این کاهش تورم می‌توان نام برد. این کاهش تورم می‌تواند در بلند مدت باعث کاهش شکاف درآمدی طبقاتی و همچنین بالارفتن بهره‌وری کل اقتصاد کشورمان شود.

مشاهدات حاکی از کاهش رشد سرعت افزایش قیمت بخش آموزش در دولت چهاردهم است.



کاهش ۸٫۵ درصد

دسترسی خانوار به تسهیلات بانکی بیشتر شد

افزایش سهم خانوارها از تسهیلات بانکی

سال قبل ۲۱.۴ درصد بود. این تغییر نشان دهنده توجه بیشتر نظام بانکی به نیازهای مردم و بهبود دسترسی خانوارها به منابع مالی است. افزایش سهم خانوارها به معنای تقویت قدرت خرید، رونق مصرف و در نتیجه پویایی بیشتر در بازار کالا و خدمات است. این روند همچنین می تواند سطح رفاه اجتماعی را ارتقا دهد و بخش مهمی از فشارهای اقتصادی بر خانواده ها را کاهش دهد.

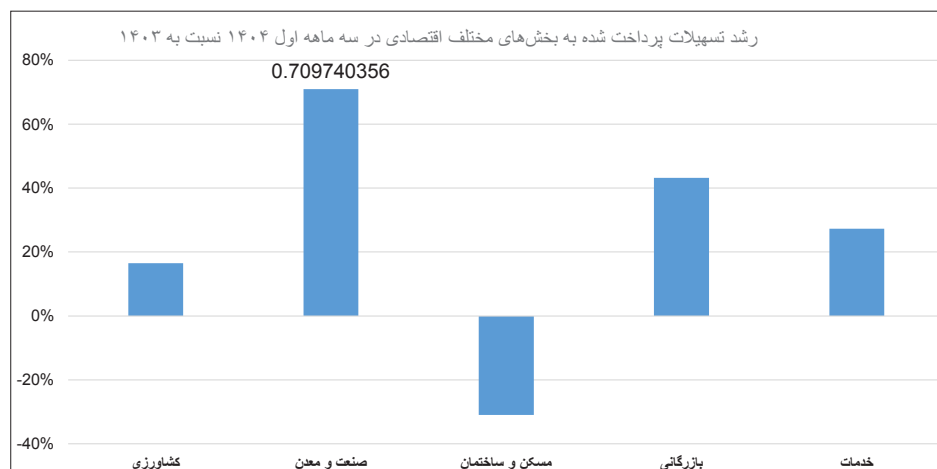
تسهیلات بانکی یکی از مهم ترین ابزارهای تأمین مالی در اقتصاد است. خانوارها از این وام ها برای خرید کالاهای بادوام، مسکن یا پوشش نیازهای ضروری استفاده می کنند و بنگاه های اقتصادی نیز با آن سرمایه گذاری و تولید را گسترش می دهند. بر اساس آمار سه ماهه اول سال ۱۴۰۴، سهم خانوارها از کل تسهیلات بانکی به ۲۴.۱ درصد رسیده است؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه



رشد بخش های مختلف اقتصادی با وام های بانکی

کلان داشته باشد. کاهش وابستگی به وام های ساختمانی و هدایت منابع به بخش های تولیدی، به نوعی به معنای تخصیص بهینه منابع است. آمار نشان می دهد که سیاست بانکی کشور در سال جاری، رویکردی متوازن تر پیدا کرده است. از یک سو، سهم خانوارها افزایش یافته و زمینه بهبود معیشت و رفاه اجتماعی فراهم شده است. از سوی دیگر، حمایت جدی از بخش های تولیدی و خدماتی ادامه دارد که می تواند به رشد پایدار اقتصادی منجر شود. تمرکز بر صنعت، کشاورزی و خدمات به معنای آن است که منابع بانکی به سمت بخش هایی رفته اند که بیشترین ارزش افزوده و اشتغال را ایجاد می کنند. در کنار آن، افزایش وام دهی به خانوارها به رونق بازار مصرف کمک می کند و چرخه اقتصاد را فعال تر می سازد. آمار سه ماهه اول ۱۴۰۴ نشان می دهد که سیاست تسهیلات بانکی در کشور توانسته ترکیب بهتری بین نیازهای خانوار و بخش های تولیدی ایجاد کند. افزایش سهم خانوارها، رشد چشمگیر صنعت و خدمات و توجه ویژه به کشاورزی، همه نشانه هایی مثبت از حرکت نظام بانکی به سمت حمایت از تولید و بهبود رفاه اجتماعی است. این روند اگر ادامه یابد می تواند به کاهش فشار اقتصادی بر مردم و تقویت پایه های رشد پایدار در اقتصاد ایران منجر شود.

نگاهی به توزیع تسهیلات در بخش های مختلف اقتصادی نشان می دهد که رشد قابل توجهی در برخی حوزه ها ثبت شده است. صنعت و معدن با رشد ۷۱ درصدی بیشترین سهم را از تسهیلات بانکی دریافت کرده اند. این امر نشان دهنده تمرکز بر حمایت از تولید و ایجاد ظرفیت های جدید صنعتی است. تقویت بخش صنعت نه تنها به افزایش اشتغال کمک می کند بلکه می تواند صادرات کشور را نیز ارتقا دهد. رشد ۴۳.۲ درصدی تسهیلات در بخش بازرگانی به معنای بهبود جریان کالا در کشور و حمایت از فعالیت های تجاری است. این امر به روان تر شدن زنجیره توزیع و افزایش دسترسی مردم به کالاها کمک می کند. رشد ۲۷.۳ درصدی در بخش خدمات نشان دهنده توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در حوزه هایی مانند حمل و نقل، آموزش و بهداشت است. این روند تأثیر مستقیم بر بهبود کیفیت زندگی مردم دارد. افزایش ۱۶.۵ درصدی تسهیلات در بخش کشاورزی گامی مهم برای تأمین امنیت غذایی و حمایت از تولید محصولات اساسی است. این سرمایه گذاری ها می تواند به افزایش بهره وری زمین های کشاورزی و کاهش واردات محصولات پایه منجر شود. هرچند آمار رشد مسکن و ساختمان منفی و در حدود ۳۱ درصد کاهش بوده است، اما باید توجه داشت که تمرکز بانک ها بر بخش های مولد و اشتغال زا مانند صنعت و کشاورزی می تواند آثار مثبت تری برای اقتصاد



رشد چشمگیر تولیدات دارویی و غیردارویی در صنعت هسته ای

افزایش تولید داروها و محصولات هسته ای

و سرطان پروستات مقاوم به درمان است. رشد تولید این دارو امکان دسترسی بیماران به درمان های پیشرفته را در داخل کشور فراهم کرده است.

علاوه بر این، طی سال گذشته از داروهای جدیدی رونمایی شد. «گالیوم فاپی» برای تشخیص ۳۰ نوع سرطان و «لوتشیوم فاپی» برای درمان سرطان ها، از جمله مهم ترین دستاوردهای دارویی صنعت هسته ای در سال ۱۴۰۳ هستند. در کنار داروها، خدمات پرتودهی نیز توسعه قابل توجهی داشته است. پرتودهی مواد غذایی مانند غلات و حبوبات باعث افزایش ماندگاری و کاهش آلودگی های میکروبی می شود. در بخش تجهیزات پزشکی، پرتودهی موجب استریل شدن ابزارها شده و سطح ایمنی درمانی کشور را بالا برده است. همچنین پرتودهی محصولات صنعتی مثل سیم و کابل باعث افزایش مقاومت و طول عمر آنها می شود. گزارش ها نشان می دهد میزان پرتودهی محصولات غیرپزشکی در سال ۱۴۰۳ بیش از سه و نیم برابر سال ۱۴۰۰ بوده است؛ رشدی که بیانگر افزایش ظرفیت ملی در این حوزه است.

۱. ارتقای سلامت عمومی: دسترسی به داروهای حیاتی برای درمان سرطان و بیماری های تیروئید، بیماران را از هزینه های سنگین واردات بی نیاز کرده است.

۲. خودکفایی دارویی: تولید داخلی رادیوداروها، کشور را در برابر فشار تحریم ها مقاوم تر کرده است.

۳. پشتیبانی از صادرات غیرنفتی: پرتودهی محصولات کشاورزی کیفیت آنها را برای صادرات افزایش داده است.

۴. نوآوری صنعتی: خدمات پرتودهی در صنایع مختلف، به بهبود کیفیت و رقابت پذیری تولیدات داخلی کمک کرده است.

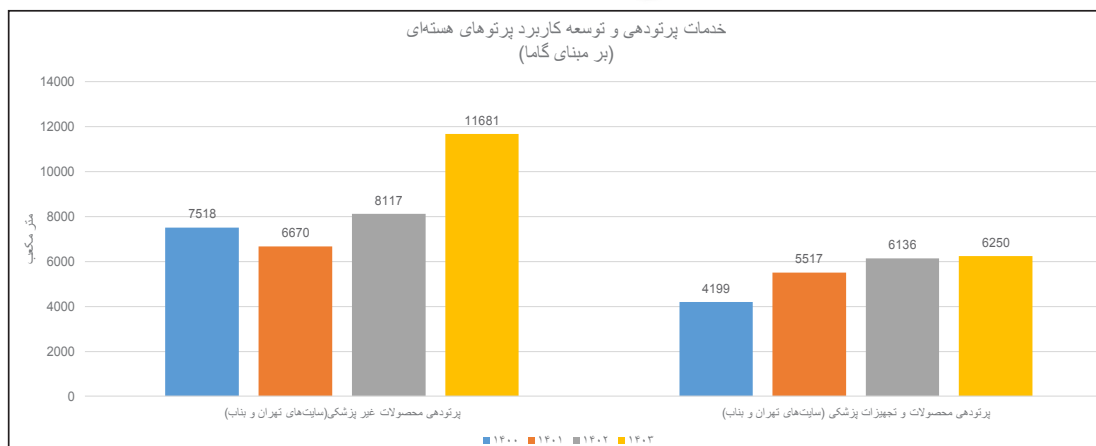
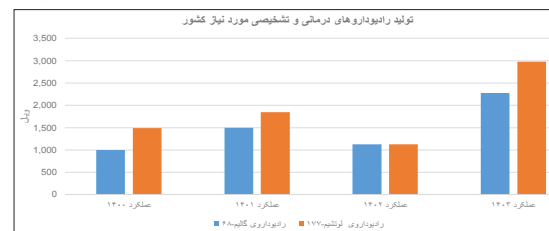
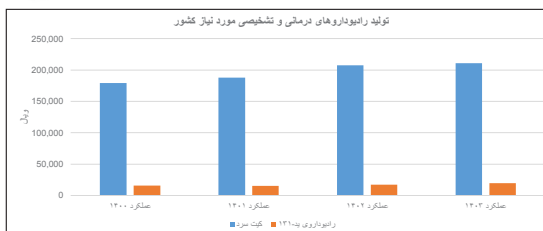
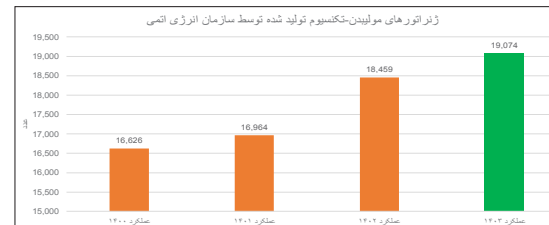
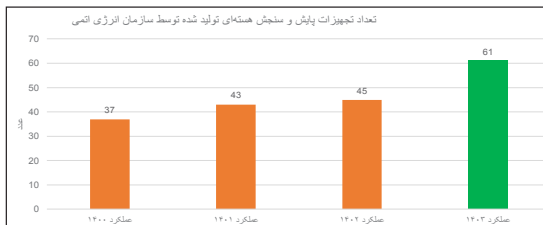
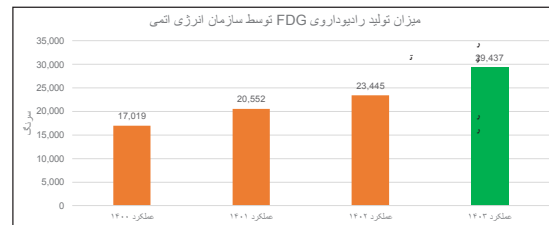
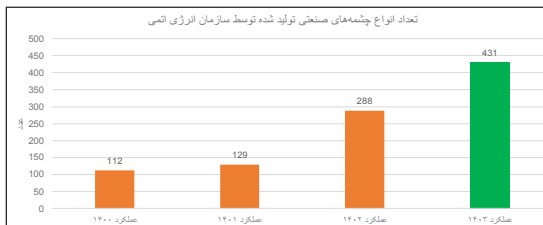
یکی از مهم ترین دستاوردهای سازمان انرژی اتمی در یک سال اخیر، افزایش تولید داروها و محصولات هسته ای است؛ داروهایی که مستقیماً با سلامت مردم ارتباط دارند و محصولات غیردارویی که به بهبود کیفیت کشاورزی و صنعت کمک می کنند.

رادیوداروها؛ درمان و تشخیص بیماری های سخت

در حوزه پزشکی هسته ای، تولید چند رادیوداروی حیاتی افزایش یافته است: ژنراتور مولیبدن-تکنسیوم (Mo-99/Tc-99m) که پرکاربردترین رادیودارو برای تصویربرداری پزشکی است که در تشخیص بیماری های قلبی، کلیوی و استخوانی به کار می رود. تولید این دارو طی سال های اخیر رشد چشمگیری داشته و نیاز کشور را به طور کامل تأمین کرده است رادیوداروی FDG برای تشخیص سرطان ها با روش PET Scan استفاده می شود. رشد تولید آن از ۱۷ هزار سرنگ در سال ۱۴۰۰ به نزدیک ۳۰ هزار سرنگ در سال ۱۴۰۳، دسترسی بیماران سرطانی را به این روش نوین افزایش داده است.

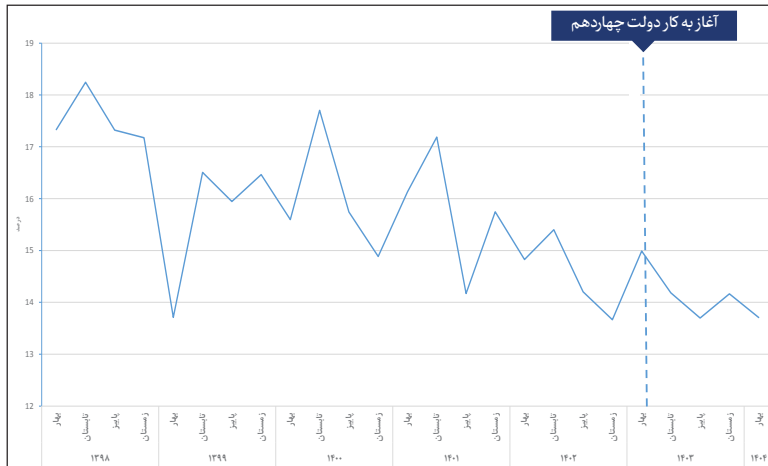
کاربرد اصلی رادیوداروی گالیوم-۶۸ نیز در تشخیص سرطان پروستات و برخی تومورهای بدخیم است. افزایش تولید این دارو امکان تشخیص دقیق تر و زود هنگام بیماری را فراهم کرده است.

رادیوداروی ید-۱۳۱ برای درمان پرکاری تیروئید و سرطان های تیروئید استفاده می شود. تولید آن از ۱۵ هزار ویال در سال ۱۴۰۰ به حدود ۲۰ هزار ویال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است، که باعث کاهش نیاز به واردات شده است. رادیوداروی لوتشیوم-۱۷۷ یکی از داروهای نوین در درمان تومورهای نورواندوکراین



روی خوش بازارکار به زنان؛ نقش زنان دانشگاه رفته پررنگ شد

نرخ بیکاری زنان



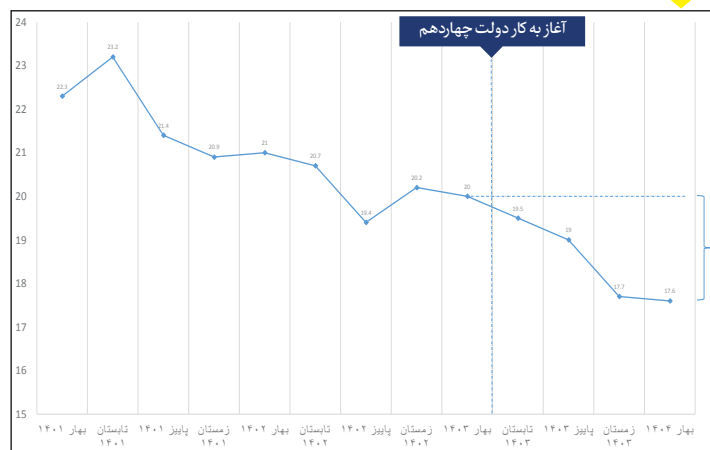
نرخ بیکاری زنان کشور در بهار ۱۴۰۴ به ۱۳٫۷ درصد رسیده است که کمترین نرخ در هفت سال گذشته محسوب می‌شود.

نرخ بیکاری زنان در بهار سال ۱۴۰۳ حدود ۱۵ درصد بوده، این نرخ در بهار سال جاری به کانال ۱۳ درصد رسیده است. به عبارت دیگر در بهار سال گذشته که از هر ۱۰۰ نفر خانم جویای کار ۱۵ نفر بیکار بوده‌اند، این تعداد در بهار امسال به حدود ۱۳ نفر رسیده است. این امر بیانگر بهبود نسبی وضعیت زنان در یکسال گذشته است. یکی از مشکلات اقتصاد ایران حضور کم‌رنگ بانوان در عرصه بازارکار است. با توجه به اینکه زنان حدوداً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، عدم حضور آنان در بازارکار، به معنی محروم بودن از نصف سرمایه انسانی کشور است و هزینه سنگینی برای اقتصاد ایران دارد. در یکسال گذشته نرخ بیکاری زنان کاهش قابل توجهی داشته اما همچنان با وضعیت مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. بایستی با ایجاد بستر مناسب اجتماعی و اقتصادی، حضور بانوان را در بازار کار تسهیل کرد تا کشور از این نیروی انسانی بهره‌مند شود.

مشاهدات حاکی از کاهش نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل آموزش عالی در دولت چهاردهم است.

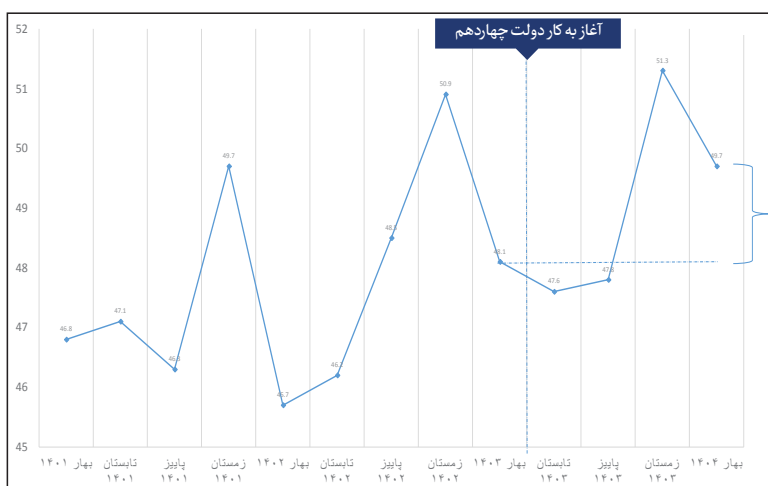
نرخ بیکاری فارغ التحصیلان زن

کاهش در نرخ بیکاری فارغ التحصیلان خانم یکی از مؤلفه‌های مهم برای انباشت شدن سرمایه انسانی و همچنین پیشرفت اجتماعی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری این گروه از خانم‌ها از بهار سال ۱۴۰۳ تا بهار سال جاری کاهش امیدوارکننده‌ای تجربه کرده است. نرخ بیکاری فارغ التحصیلان خانم، با توجه به اینکه داده‌های بازار کار فصلی هستند، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از ۲۰ درصد به حدود ۱۷ درصد تقلیل یافته است. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر خانم تحصیلکرده آموزش عالی کشور جویای کار، حدوداً ۳ نفر بیشتر نسبت به سال گذشته موفق به پیدا کردن شغل خود شده‌اند. اقدامات دولت در جذب نخبگان و دستگاه‌های اجرایی و همچنین به کارگیری مدیران و کارشناسان خانم در مشاغل مهم را از جمله دلایل این کاهش در نرخ بیکاری می‌توان شمرد که باعث می‌شود سرمایه انسانی بیشتری در مشاغل به کار گرفته شود و منجر به تقویت رشد اقتصاد و نوآوری اقتصادی می‌شود.



کاهش
۲٫۴ واحد
درصد

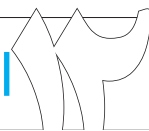
سهم بانوان فارغ التحصیل از کل بانوان شاغل



مشاهدات حاکی از افزایش سهم شاغلان خانم فارغ التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان در خانم‌ها در دولت چهاردهم است.

افزایش
۱٫۶ واحد
درصدی

افزایش سهم بانوان فارغ التحصیل از کل بانوان شاغل ضرورتی برای ارتقای بهره‌وری ملی و توسعه متوازن و عادلانه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سهم بانوان شاغل فارغ التحصیل از کل بانوان شاغل از بهار سال گذشته تا بهار سال جاری افزایش مثبتی از خود نشان داده است. سهم بانوان شاغل تحصیلکرده از کل بانوان شاغل، باتوجه به فصلی بودن داده بازار کار، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از حدود ۴۸ درصد به نزدیک به ۵۰ درصد کثرت یافته است. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر خانم شاغل در سال گذشته ۴۸ نفر تحصیلکرده آموزش عالی بوده‌اند که در سال جاری به ۵۰ نفر تحصیلکرده افزایش پیدا کرده است. اقدامات دولت در جذب نخبگان و همچنین دانش محور بودن ماهیت مشاغل مدرن و افزایش چشمگیر زنان تحصیلکرده از جمله دلایل این افزایش این سهم است. این افزایش در سهم بانوان تحصیلکرده از کل بانوان شاغل باعث کاهش شکاف جنسیتی مدیریتی کشور و همچنین نوعی سرمایه‌گذاری روی نسل آینده است.

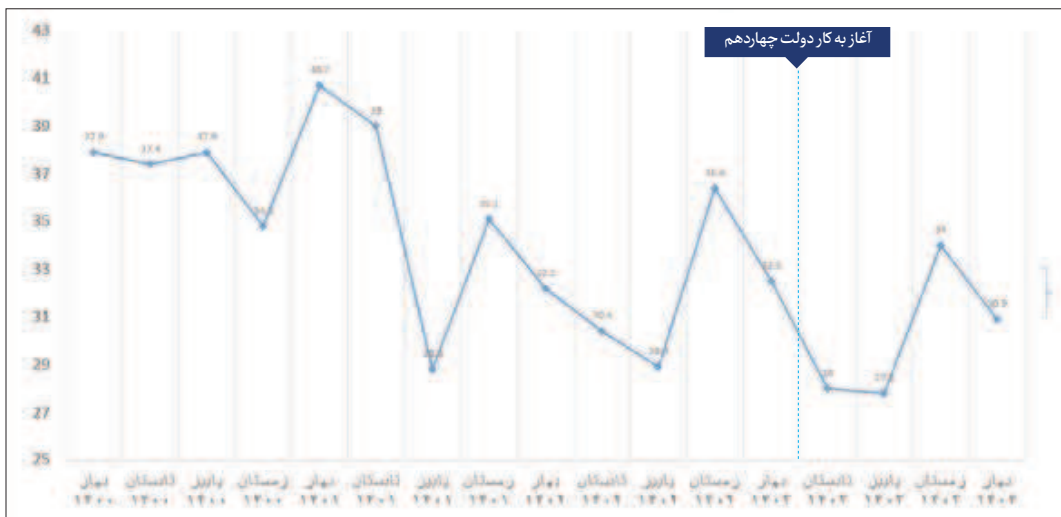


کاهش بیکاری زنان جوان در ۱۴۰۴

نرخ بیکاری زنان ۲۴-۱۵ سال

درصد رسیده است. به عبارت دیگر تعداد خانم های جوان ۲۴-۱۵ ساله جویای کاری که موفق به پیدا کردن شغل شده اند افزایش یافته است. اقدامات دولت در جذب زنان و به کارگیری از سرمایه انسانی زنان و برخی اقدامات دیگر را می توان از دلایل این کاهش نرخ بیکاری عنوان کرد. کاهش نرخ بیکاری، علاوه بر حضور بیشتر زنان در بازار کار و اثرات مثبت اجتماعی آن، به اقتصاد ایران کمک می کند تا از سرمایه انسانی نیمه خاموش جمعیت ایران هر چه بیشتر بهره مند شود.

کاهش نرخ بیکاری گروه زنان جوان تنها یک مسأله اقتصادی نیست بلکه از منظر جنبه های اجتماعی نیز حائز اهمیت است. بررسی ها نشان می دهد نرخ بیکاری این گروه از خانم های جوان از بهار پارسال تا بهار سال جاری کاهش نسبی و همراه با نوسان بسیار داشته است. نرخ بیکاری جوانان خانم ۲۴-۱۵ ساله، با توجه به اینکه داده های بازار کار ماهیت فصلی دارند، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از نزدیکی ۳۳ درصد به حدود ۳۱



مشاهدات حاکی از کاهش نرخ بیکاری جوانان خانم ۲۴-۱۵ ساله در دولت چهاردهم است.

کاهش ۱,۶ واحد درصد

نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله شهری

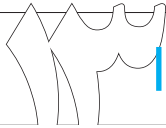
توجه به اینکه داده های بازار کار ماهیت فصلی دارند، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از نزدیکی ۲۲ درصد به حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر جوان ۲۴-۱۵ ساله شهری جویای کار ۲ نفر بیشتر موفق به پیدا کردن شغل خود شده اند. اقدامات دولت در جذب نخبگان در مشاغل اجرایی و همچنین وجود سرمایه انسانی خوب در شهرها از جمله دلایل این کاهش در نرخ بیکاری است. این کاهش در نرخ بیکاری هم باعث بالا رفتن سطح اشتغال جوانان شهری شده است و هم باعث سرعت بخشیدن به چرخه اقتصاد شهر.

کاهش نرخ بیکاری جوانان یک ضرورت مهم برای توسعه اقتصادی است. همچنین نشان دهنده بهبود ثبات اجتماعی و اقتصادی نیز هست. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ یکی از مهم ترین شاخص های سنجش سلامت بازارکار در هر جامعه ای است. این نرخ نشان دهنده جوانانی است که نه به کار کردن مشغول هستند و نه به تحصیل، از همین رو کاهش نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سیگنال بسیار مثبتی از سوی بازارکار و اقتصاد است. بررسی ها نشان می دهد که نرخ بیکاری این گروه از جوانان شهری از بهار سال ۱۴۰۳ تا بهار سال جاری کاهش نسبی خوبی را تجربه کرده است. نرخ بیکاری جوانان شهری ۲۴-۱۵ ساله، با



مشاهدات حاکی از کاهش نرخ بیکاری جوانان ۱۵ - ۲۴ ساله شهری در دولت چهاردهم است.

کاهش ۱,۳ واحد درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل

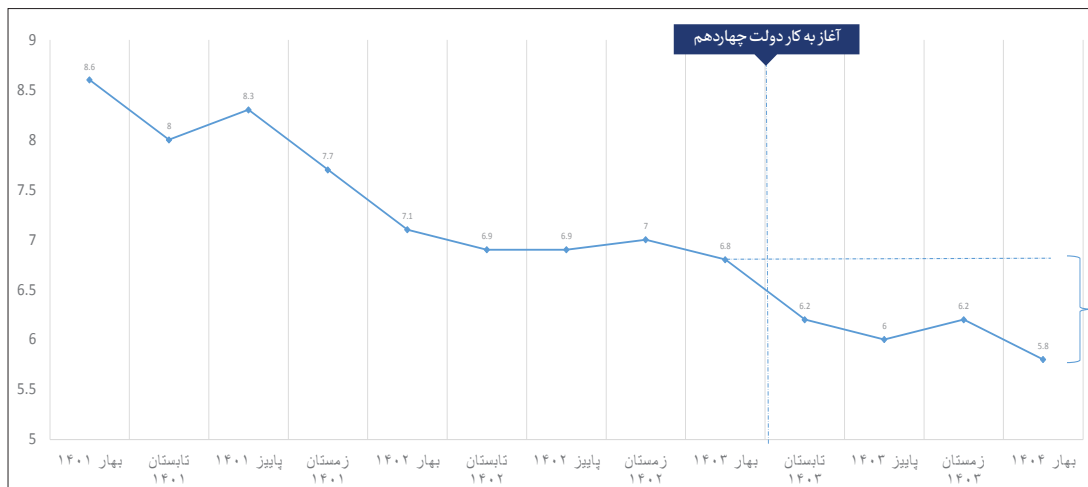


افزایش بهره‌وری نیروی کار در شهر و روستا

نرخ اشتغال ناقص شهری

عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر شهروندی که شاغل هستند، در سال گذشته ۶ نفر به اجبار کمتر از ساعت کار قانونی کار می‌کردند یا در مشاغل کار می‌کردند که مطابق با تخصص و مهارت‌شان نبوده و این عدد در سال جاری به ۵ نفر کاهش یافته است. رابطه هدفمند بین نهادهای مهارت‌آموزی و دانشگاهی و بخش خصوصی و دولتی را می‌توان از دلایل احتمالی این کاهش برشمرد. این کاهش در نرخ اشتغال ناقص مناطق شهری منجر به افزایش بهره‌وری و استفاده کارآمد از نیروی کار و سرمایه انسانی می‌شود.

کاهش در نرخ اشتغال ناقص شهری ضرورتی بسیار مهم برای استفاده بهینه از سرمایه انسانی سرشار شهری است و اقدام برای کاهش این موضوع مستقیماً منجر به کاهش فقر می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ اشتغال ناقص مناطق شهری از بهار سال گذشته تا بهار سال جاری تقلیل یافته است. نرخ اشتغال ناقص مناطق شهری، با توجه به فصلی بودن داده بازار کار، در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، چند ماه قبل‌تر از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از حدود ۶ درصد به ۵ درصد کاهش یافته است. به



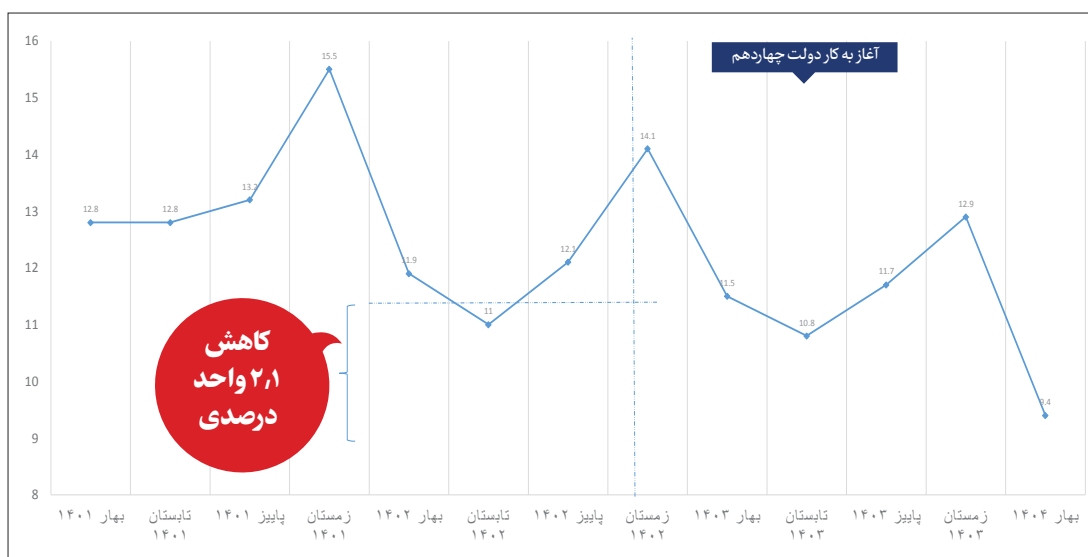
مشاهدات حاکی از کاهش در تعداد افرادی که شغل کامل ندارند در مناطق شهری در دولت چهاردهم است.

کاهش ۱ واحد درصدی نسبت به ماه مشابه سال قبل

نرخ اشتغال ناقص روستایی

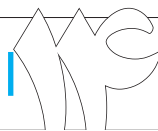
هستند، در سال گذشته ۱۱ نفر به اجبار کمتر از ساعت قانونی کار می‌کردند یا در مشاغل کار می‌کردند که مطابق با تخصص و مهارت‌شان نبوده و این عدد در سال جاری به ۹ نفر کاهش پیدا کرده است. آموزش‌های مهارتی و سیاست‌های حمایت از کسب و کارهای کوچک و برخی از دلایل دیگر، از جمله دلایل احتمالی این کاهش می‌توان برشمرد. این کاهش در نرخ اشتغال ناقص مناطق روستایی منجر به ثبات اقتصادی روستایی با توجه به ماهیت فصلی اقتصاد روستاها، می‌تواند بشود و همچنین منجر به تحقق عدالت خواهد شد.

کاهش در نرخ اشتغال ناقص روستایی اهمیت بسیار برای کاهش در نابرابری‌های منطقه‌ای و استفاده بهینه از سرمایه انسانی آن مناطق دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ اشتغال ناقص روستایی از بهار سال گذشته تا بهار سال جاری کاهش پیدا کرده است. نرخ اشتغال ناقص روستایی، با توجه به فصلی بودن داده بازار کار، در بهار امسال در مقایسه با بهار سال گذشته، چند ماه پیش از روی کار آمدن دولت چهاردهم، از حدود ۱۱ درصد به حدود ۹ درصد تقلیل یافته است. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر روستائینی که شاغل



مشاهدات حاکی از کاهش در تعداد افرادی که شغل کامل ندارند در مناطق روستایی در دولت چهاردهم است.

کاهش ۲٫۱ واحد درصدی

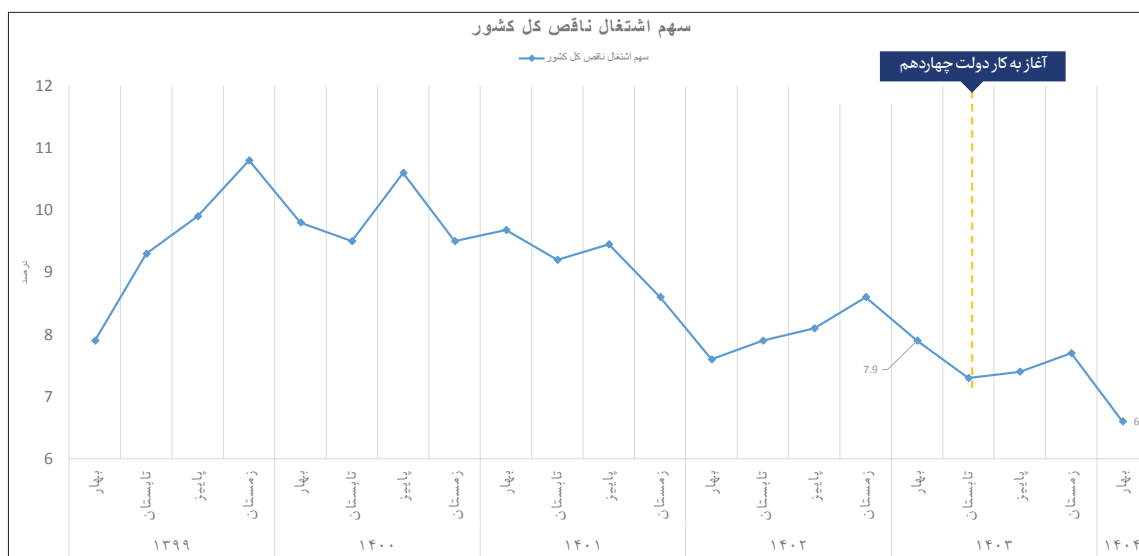


افزایش بهره‌وری بازار کار در ۱۴۰۴

اشتغال ناقص کل کشور

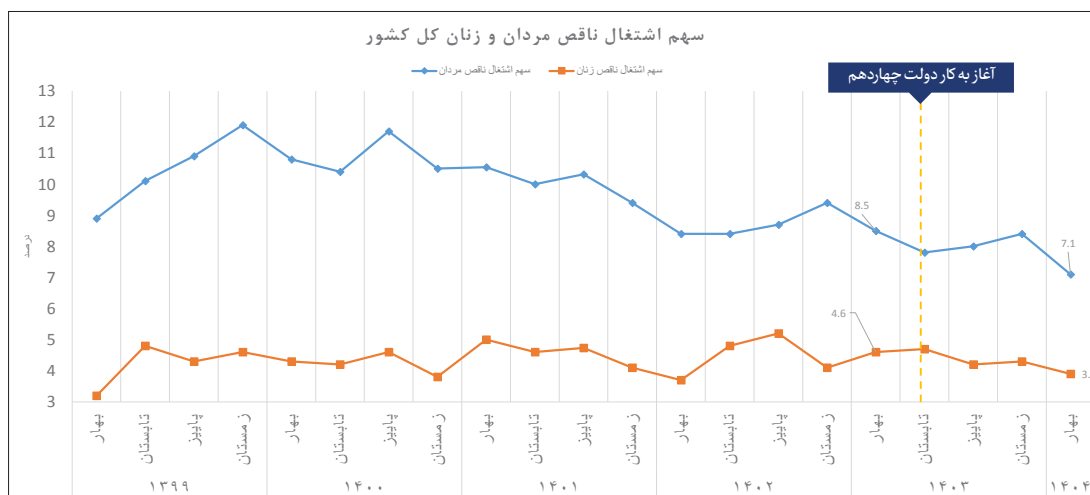
ابتدایی بررسی، این شاخص برای مردان در حدود ۱۱ تا ۱۰ درصد قرار داشت. اما طی سه سال اخیر این رقم با روندی کاهشی مواجه شد و در بهار ۱۴۰۴ به ۷.۱ درصد رسید. کاهش اشتغال ناقص در میان مردان به معنای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدارتر در بخش‌های مختلف اقتصادی است. این موضوع اثر مستقیم بر معیشت خانوارها دارد، زیرا در بسیاری از خانواده‌ها درآمد اصلی توسط مردان تأمین می‌شود. این بهبود همچنین نشان‌دهنده آن است که سیاست‌های حمایتی دولت در توسعه بخش‌های صنعتی، خدماتی و عمرانی توانسته‌اند فرصت‌های شغلی با کیفیت بیشتری ایجاد کنند. استمرار این روند می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به بازار کار و کاهش نگرانی‌های اقتصادی منجر شود.

اشتغال ناقص یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی وضعیت بازار کار است که نشان می‌دهد چه تعداد از شاغلان کشور به صورت ناخواسته کمتر از ظرفیت واقعی خود کار می‌کنند؛ در واقع، اشتغال ناقص بیانگر نوعی «بیکاری پنهان» است که کیفیت اشتغال را پایین می‌آورد و مانع بهره‌وری کامل نیروی کار می‌شود. بررسی روند سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سهم اشتغال ناقص کل کشور از حدود ۱۰ درصد در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به کمتر از ۷ درصد در بهار ۱۴۰۴ رسیده است. این کاهش مستمر یک نشانه مثبت برای اقتصاد کشور است؛ زیرا بیانگر آن است که فرصت‌های شغلی ایجاد شده نه تنها از نظر کمی بلکه از نظر کیفی نیز بهبود یافته‌اند. مردان بیشترین سهم از اشتغال ناقص را در کشور داشته‌اند. در سال‌های



کاهش سهم اشتغال ناقص آثار مثبت متعددی بر اقتصاد کشور خواهد داشت. وقتی افراد در مشاغل کامل و متناسب با توانایی‌شان فعالیت می‌کنند، بازدهی بالاتری دارند. همچنین مشاغل کامل درآمد بیشتری ایجاد می‌کنند و این موضوع به بهبود سطح رفاه و کاهش فقر منجر می‌شود. هرچه سهم اشتغال ناقص کمتر شود، بازار کار شفاف‌تر و کارآمدتر خواهد بود. کاهش اشتغال ناقص به معنای حرکت به سمت قراردادهای پایدارتر و شرایط کاری بهتر است. این دستاورد بیانگر آن است که سیاست‌های دولت در حمایت از تولید، ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط بازار کار توانسته‌اند نتایج ملموسی به همراه داشته باشند. استمرار این روند می‌تواند به رشد پایدار اقتصادی و افزایش رضایت اجتماعی منجر شود.

در مقایسه با مردان، سهم اشتغال ناقص زنان همواره پایین‌تر بوده است؛ به‌طور میانگین در محدوده ۴ تا ۵ درصد. این موضوع دو دلیل دارد: از یک‌سو نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کل پایین‌تر از مردان است و از سوی دیگر بسیاری از زنان شاغل در بخش‌های رسمی با قراردادهای ثابت مشغول به کار هستند. با این حال، تغییرات مثبت در این شاخص برای زنان نیز اهمیت زیادی دارد. در سال‌های اخیر، سهم اشتغال ناقص زنان با نوسان اندک از ۴.۸ درصد در تابستان ۱۳۹۹ به ۳.۹ درصد در بهار ۱۴۰۴ کاهش یافته است. کاهش این شاخص برای زنان به معنای آن است که بخش بیشتری از آنها توانسته‌اند در مشاغل پایدارتر و با ساعات کاری کامل حضور پیدا کنند. این اتفاق نه تنها بر بهبود وضعیت اقتصادی زنان اثر دارد، بلکه به ارتقای جایگاه اجتماعی و افزایش نقش‌آفرینی آنها در خانواده و جامعه نیز کمک می‌کند.



صادرات در قله

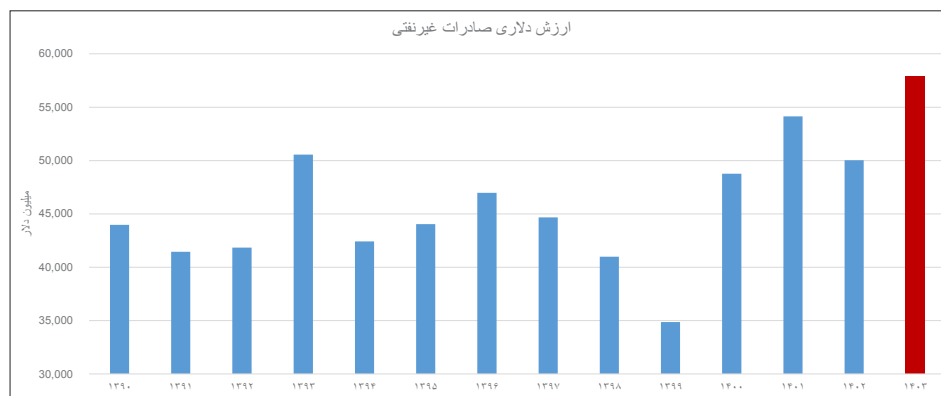
رشد صادرات غیرنفتی؛ نشانه ای از تقویت تولید داخلی

صادرات غیرنفتی یکی از مهم ترین شاخص های سنجش قدرت تولیدی و تجاری کشور است. این شاخص نشان می دهد که اقتصاد تا چه حد توانسته وابستگی خود را به نفت کاهش دهد و بر پایه کالاها و خدمات متنوع رشد کند. بررسی آمارهای گمرک از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ تصویر روشنی از این مسیر ارائه می دهد.

روند ارزش دلاری صادرات غیرنفتی

در سال ۱۳۹۰ ارزش صادرات غیرنفتی ایران حدود ۴۴ میلیارد دلار بود. این رقم طی سال های ابتدایی دهه ۹۰ با افت و خیزهایی روبه رو شد و در سال ۱۳۹۴ به ۴۲ میلیارد دلار رسید. اما نقطه عطف مهم در سال ۱۳۹۵ رخ داد؛ جایی که صادرات غیرنفتی ایران به دلیل رشد وزنی و افزایش تقاضا در

بازارهای هدف به حدود ۴۴ میلیارد دلار و سپس در سال ۱۳۹۶ به ۴۷ میلیارد دلار رسید. پس از یک دوره افت در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به دلیل تحریم ها و محدودیت های تجاری، صادرات غیرنفتی کشور کاهش یافت و حتی در سال ۱۳۹۹ به ۳۴.۸ میلیارد دلار رسید. با این حال، از سال ۱۴۰۰ دوباره روند صعودی آغاز شد؛ صادرات غیرنفتی به ۴۸.۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ و ۵۴.۱ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ رسید. در سال ۱۴۰۳، این شاخص با ثبت رقم ۵۷.۸ میلیارد دلار، رکورد جدیدی را به ثبت رساند که بالاترین میزان صادرات غیرنفتی تاریخ ایران به شمار می رود. این افزایش در کنار رشد وزنی صادرات که به بیش از ۱۵۱ میلیون تن در سال ۱۴۰۳ رسید، نشان دهنده آن است که ظرفیت های تولیدی کشور در حوزه های صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات فنی مهندسی توسعه یافته است.



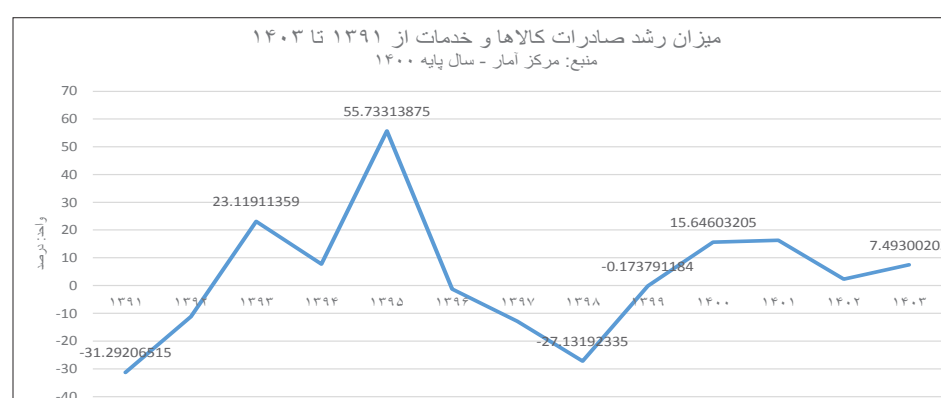
روند رشد سالانه صادرات

نگاهی به نرخ رشد صادرات نیز حاوی نکات مهمی است. در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، رشد صادرات به ترتیب منفی ۳۱ و منفی ۱۱ درصد بود. اما در سال ۱۳۹۳ ورق برگشت و رشد مثبت ۲۳ درصدی ثبت شد. سال ۱۳۹۵ با جهش ۵۵ درصدی، نقطه اوج صادرات غیرنفتی در دهه ۹۰ محسوب می شود. با این حال، شوک های اقتصادی سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، افت شدید ۱۳- تا ۲۷- درصدی را رقم زد. در ادامه، سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بار دیگر رشد مثبت ۱۵ تا ۱۶ درصدی تجربه شد که بیشتر ناشی از رشد منفی سال های قبل و البته پایان همه گیری کرونا بود. در سال ۱۴۰۲ یعنی سال قبل از شروع کار دولت چهاردهم، رشد صادرات کالاها و خدمات کشور تنها ۲.۳ درصد بوده که با تلاش و سیاست های دولت چهاردهم، این رقم در سال ۱۴۰۳ به مثبت ۷.۵ درصد رسید. این افزایش در رشد، حتی با وجود محدودیت های بین المللی، نشانه ای از پایداری صادرات غیرنفتی و توان کشور در حفظ بازارهای خارجی است.

پیامدهای مثبت رشد صادرات غیرنفتی

۱. تقویت تولید داخلی: رشد صادرات به معنای آن است که تولیدکنندگان

داخلی توانسته اند محصولات رقابتی برای بازار جهانی عرضه کنند.
۲. افزایش ارزآوری: صادرات غیرنفتی مهم ترین منبع تأمین ارز کشور در شرایط محدودیت های نفتی است.
۳. کاهش وابستگی به نفت: حرکت به سمت صادرات کالاها و خدمات غیرنفتی، اقتصاد را مقاوم تر و متنوع تر می کند.
۴. ایجاد اشتغال پایدار: توسعه صادرات صنایع و بخش های تولیدی، فرصت های شغلی گسترده ای ایجاد کرده است.
صادرات غیرنفتی ایران طی بیش از یک دهه گذشته، با وجود همه نوسانات، توانسته مسیر رشد خود را حفظ کند. رسیدن به رکورد تاریخی ۵۷.۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ و ثبت رشد مثبت ۷.۵ درصدی در سال اخیر، نشان می دهد که سیاست های توسعه صادرات و حمایت از تولید داخلی نتایج محسوسه داشته است. این دستاورد را می توان یکی از نقاط روشن اقتصاد ایران در سال های اخیر دانست؛ مسیری که می تواند در آینده، نقش صادرات غیرنفتی را در اقتصاد ملی بیش از پیش پررنگ کند.



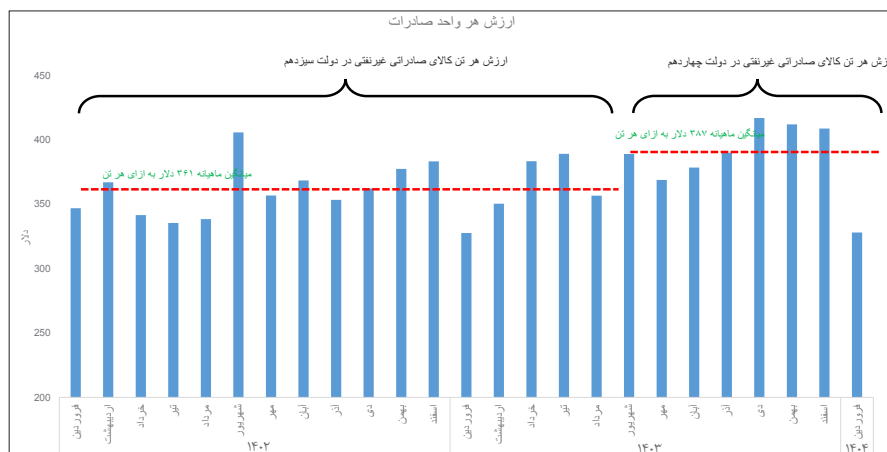
رشد صادرات ایران از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳، از ۲،۳ درصد به ۷،۵ درصد افزایش پیدا کرده است.

بهبود تراز تجاری در دولت چهاردهم

افزایش ارزش صادرات و بهبود تراز تجاری کشور

بازارهای خارجی توانسته اند جایگاه بهتری پیدا کنند. افزایش ارزش صادرات می تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند بهبود کیفیت محصولات، توسعه صنایع تبدیلی، افزایش تقاضای جهانی برای کالاهای ایرانی و ارتقای خدمات پشتیبانی صادراتی باشد. در فروردین ۱۴۰۴ نیز ارزش هر واحد صادرات ۳۲۸ دلار ثبت شد. هرچند این رقم نسبت به ماه های پایانی ۱۴۰۳ کمتر است، اما تجربه سال گذشته نشان داده که در ادامه سال با افزایش تقاضا و رشد قیمت جهانی، این شاخص روندی صعودی خواهد داشت.

یکی از شاخص های مهم در اقتصاد، ارزش هر واحد صادرات است. این شاخص نشان می دهد که کالاهای صادر شده کشور به چه میزان ارزش آفرینی دارند. افزایش این شاخص به معنای ارتقای کیفیت کالاها و حضور پر قدرت تر در بازارهای جهانی است. بررسی آمارها نشان می دهد که در سال ۱۴۰۲ ارزش هر واحد صادرات در محدوده ۳۴۰ تا ۴۱۰ دلار در نوسان بوده است. این روند در سال ۱۴۰۳ با رشد قابل توجهی همراه شد و در ماه های پایانی به بیش از ۴۱۰ دلار رسید. این تغییر مثبت بیانگر آن است که کالاهای صادراتی ایران در

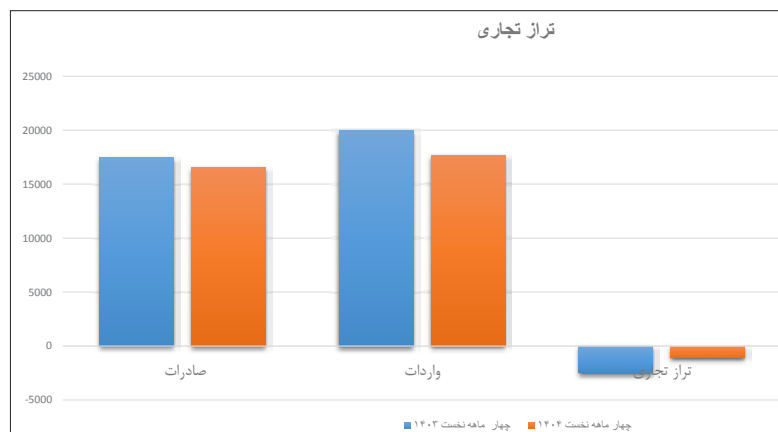


پیامدهای مثبت بهبود تراز تجاری

هرچه صادرات افزایش یابد و شکاف تراز تجاری کمتر شود، فشار بر منابع ارزی کشور کاهش پیدا می کند. رشد صادرات به معنای حمایت از تولیدکنندگانی است که توانسته اند در بازارهای جهانی رقابت کنند. حضور پایدار تر در بازارهای خارجی، اعتماد شرکای تجاری را افزایش می دهد. بهبود تراز تجاری در بلندمدت به ثبات نرخ ارز و کنترل تورم کمک می کند. آمارها نشان می دهد که ارزش هر واحد صادرات ایران در سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و در سال جاری نیز پتانسیل رشد بیشتر دارد. در کنار آن، تراز تجاری کشور به سمت تعادل بیشتر حرکت کرده و کسری آن تقریباً نصف شده است. این روندها نشان دهنده اثرات مثبت سیاست های حمایتی دولت از صادرات غیر نفتی و مدیریت واردات است. بهبود همزمان ارزش صادرات و کاهش کسری تراز تجاری، چشم انداز امیدوارکننده ای از آینده تجارت خارجی ایران ترسیم می کند؛ مسیری که می تواند منجر به رشد پایدار، افزایش ارزش آوری و تقویت توان تولید داخلی شود.

تراز تجاری؛ حرکت به سمت تعادل بیشتر

تراز تجاری یکی از مهم ترین نماگرهای اقتصادی است که از مقایسه صادرات و واردات به دست می آید. مثبت شدن تراز تجاری به معنای آن است که صادرات کشور بیشتر از واردات بوده و در نتیجه ارزش آوری افزایش یافته است. هرچند در ایران معمولاً تراز تجاری با چالش هایی روبه رو بوده، اما روند سال ۱۴۰۴ نشان دهنده بهبود محسوسی است. در چهار ماهه اول سال ۱۴۰۳، صادرات کشور ۱۷۰۴ میلیارد دلار و واردات ۱۹۰۹ میلیارد دلار بود که نتیجه آن ثبت تراز منفی ۲۰۴ میلیارد دلار شد. اما در چهار ماهه اول سال ۱۴۰۴، وضعیت تغییر کرد. صادرات با رقم ۱۶۰۵ میلیارد دلار و واردات با ۱۷۰۶ میلیارد دلار ثبت شد و تراز تجاری منفی به ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش یافت. به عبارت دیگر، فاصله صادرات و واردات تقریباً نصف شده و کشور به سمت تعادل بیشتر در تجارت خارجی حرکت کرده است. این دستاورد بیانگر تقویت صادرات غیر نفتی و همچنین مدیریت واردات در سال جاری است.



مشاهدات حاکی از کاهش ۵۶٫۶ درصدی کسری تراز تجاری در دولت چهاردهم است.

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۳۸
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مدیر هنری:
علیرضا میرزاصطفی
طرح جلد:
هادی حدیدی
دبیر فنی:
پرویز آزموده
صفحه آرایی:
محسن ذاکری و محمد عباسپور
ویراستار:
داریوش کمالی پور آزاد

معاونین سردبیر:
حسین مسلم، سیامک رحمانی، ابراهیم بهشتی
مهدی نوروزیان
واحد تحلیل آمار مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
شهریار صادقی (دبیر) / فائزه کریمی، محمدرضا
پهرانوند، علیرضا خانیا
دبیر ویژه نامه:
سپهילה نوری

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول و رئیس هیأت مدیره:
صادق حسین جابری انصاری
مدیر عامل:
علی متقیان
سردبیر:
هادی خسروشاهین